

جلوه‌های ادب پایداری در تعزیه حضرت ابوالفضل علیه السلام

میثم خلیلی^۱

جواد فرامرزی^۲

رسول صالح پور^۳

چکیده

نمایش نامه تعزیه از ماندگارترین مراسم‌های مذهبی ایران است که در آن ضمن سرودن اشعاری، به مدح و سوگواری اهل بیت علیهم السلام پرداخته می‌شود. از جمله شخصیت‌های برجسته حاضر در کربلا که جان خویش را در راه حمایت از امام حسین علیه السلام فدا کرد، حضرت ابوالفضل علیه السلام است. از تعزیه‌های مشهور و ماندگار، تعزیه منتسب به حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام است. با توجه به محبوبیت تعزیه و نقش پررنگ آن در اعتقادات مذهبی شیعیان ایران، پرداختن به ابعاد مختلف این نمایش مذهبی از جمله جلوه‌های ایستادگی، پایداری، فرمانبرداری و مقاومت موضوعی ضروری و الگوسازی برای آیندگان به شمار می‌رود. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی، جلوه‌های ادب مقاومت و پایداری را در تعزیه حضرت ابوالفضل علیه السلام مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: ادب پایداری، تعزیه، حضرت ابوالفضل علیه السلام.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد (نویسنده مسئول)
(meysam.khalili1370@gmail.com)

۲. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (faramarzi@quran.ac.ir)

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد (rasoolsalehpour@gmail.com)

اصحاب امام حسین علیه السلام در روز عاشورا جلوه‌های مختلفی از ایثار و وفاداری و حمایت از ولی معصوم علیه السلام را به نمایش گذاشتند و نام خود را به عنوان اسوه و الگوی پایداری در طول تاریخ جاودانه ساختند. از جمله مهم‌ترین و تأثیرگذارترین شخصیت‌های حاضر در صحرای کربلا، حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام است که با بصیرت کامل و شناخت کافی از مقام والای امامت، زندگی خود را وقف حمایت از ولی معصوم علیه السلام نمود و جان با ارزش خویش را در این راه فدا کرد. ویژگی‌های منحصر به فردی که در شخصیت ایشان وجود داشت موجب گردید شیعیان همواره ارادتی خاص و ویژه نسبت به عباس بن علی علیه السلام داشته باشند و با برپایی مراسم‌های خاص در ماه محرم، یاد و نام این شخصیت بزرگ را گرامی دارند.

از مهم‌ترین این مراسم‌ها، برگزاری مراسم تعزیه حضرت ابوالفضل علیه السلام است که شیوه نمایشی خاص شیعیان است. از طریق مطالعه مجالس تعزیه می‌توان به بسیاری از ویژگی‌های این شیوه نمایشی پی برد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها، جلوه‌های ادب مقاومت و پایداری است.

در برپایی مجلس تعزیه حضرت ابوالفضل علیه السلام، سعی شده است پرده‌های مختلفی از حضور و ایثار ایشان در روز عاشورا به نمایش درآید. تعزیه‌نامه و نسخه‌های متعددی در زمینه‌های مختلف از جمله میرعزا، میرانجم، زمینه‌های قزوین و... به نگارش درآمده است؛ اما مضامین آن مشابه است و یک غایت را دنبال می‌کنند. از این رو برای استناد نسخه تعزیه در این پژوهش به کتاب‌های دفتر تعزیه از داود فتحعلی بیگی و «محمد حسین ناصر بخت که از صاحب نظران معاصر تعزیه و کتاب‌هایشان تلفیقی از نسخه‌های مختلف است، ارجاع داده می‌شود.

هدف از پژوهش حاضر پاسخ‌گویی به این پرسش است که جلوه‌های ادب پایداری و مقاومت در تعزیه حضرت ابوالفضل علیه السلام چگونه است؟

در راستای دست‌یابی به این هدف، جستار حاضر ضمن نقل قسمت‌هایی از تعزیه حضرت عباس علیه السلام جلوه‌های مقاومت و پایداری را در این تعزیه مورد بررسی قرار می‌دهد.



مقاله پیش رو که از زمره پژوهش‌های بنیادین است، با روش توصیفی - تحلیلی این موضوع را مورد بررسی قرار می‌دهد.

پیشینه تحقیق

از قرن‌های اول و دوم اسلامی، رسم تعزیت‌داری و سوگواری و گریستن بر مرگ شهیدان دین در ایران رایج بوده است. آل بویه در دوران تسلط بر بغداد زیر نظر خلیفه عباسی و فقیهان سنی مذهب، مردم را به عزاداری در نخستین دهه محرم وادار می‌کردند و مخالفان از بیم قدرت ایشان در این باب سخن نمی‌توانستند گفت (همایونی، ۱۳۶۸: ۱۴). به طوری که احمد بن ابوالفتح در *احسن‌التقصص* آورده تعزیه در سال ۹۶۳ م (حدود ۳۴۲ ش) در بغداد توسط معزالدوله بویه‌ای اجرا شد (بیضایی، ۱۳۴۴: ۱۱۹). چرولی قدمت تعزیه را به روزگار شاه اسماعیل صفوی مرتبط می‌داند (نک: چرولی، ۱۳۶۷: ۴۱-۴۳) و چلوفسکی اوج کمال این سنت نمایشی را مرتبط با قاجاری می‌داند (نک: چلوفسکی، ۱۳۶۷: ۱۱-۱۶). در همین زمینه، فنایان نیز در آخرین پژوهش خود آغازین سنت را به زیدیه و کمال شکل‌گیری آن را به قاجار نسبت می‌دهد (فنایان، ۱۳۸۹).

علاقه شدید ناصرالدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ ق) موجب اوج کمال تعزیه در دوره وی شد. تکیه دولت که به دستور ناصرالدین شاه ساخته شد، در ترویج تعزیه بسیار مؤثر بود. تعزیه‌خوانان از آن‌جا که در حقیقت تعزیه‌خوان دولتی بودند، زیر نظر «معین‌البکای» دربار، در برابر شاه و درباریان تعزیه می‌خواندند (مستوفی، ۱۳۸۴: ۱/۲۹۰). در آن سال‌ها بیشتر شهرها و روستاها تکیه داشتند و تعزیه در آن‌ها برگزار می‌شد؛ اگرچه برگزاری تعزیه مشروط به وجود تکیه نبود و در مساجد، میدان‌ها، فضاها و بازوحتی خانه‌های شخصی و حیاط کاروان‌سراها نیز مجالس تعزیه برپا می‌شد. ظاهراً اصفهان تکیه‌هایی بدون سقف داشته است که حدود سی هزارتن در آن‌جا به تماشای تعزیه نشستند (بیضایی، ۱۳۴۴: ۱۲۹؛ چلوفسکی، ۱۹۸۹: ۱۰۰). در دوره رضاخان (۱۳۰۴-۱۳۲۰ ش)، به ویژه در دهه دوم سلطنت وی، سوگواری‌های ماه محرم محدود شده و ممنوعیت‌های متعددی به وجود آمد و برگزاری رسمی مجالس تعزیه به تدریج متوقف شد؛ اما اجرای آن در روستاها کمابیش ادامه یافت. در دوره پهلوی دوم (۱۳۲۰-۱۳۵۷ ش)، از سال ۱۳۳۸ تا سال

۱۳۴۹ ش، چند مجلس تعزیه بر روی صحنه نمایش (تئاتر) آورده شد (همایونی، ۱۳۶۸: ۱۴۱) پس از انقلاب اسلامی نیز تعزیه مورد توجه و علاقه مردم و مسئولان فرهنگی و هنری بوده و تلاش شده است با تحقیق در پیشینه این هنر ادبی و پیرایش و پالایش آن، از افول و نابودی این سنت دیرینه جلوگیری شود (شیخ مهدی و مختاباد، ۱۳۸۹: ۱۰۰).

آثاری به صورت مستقل به بررسی نمایش نامه تعزیه در ایران پرداخته اند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

- تعزیه در ایران، نوشته صادق همایونی، شیراز، نشر نوید، ۱۳۶۸.

- تعزیه «نیایش و نمایش در ایران»، چلووسکی، پتر. جی. ترجمه: داوود حاتمی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.

- فرهنگ تعزیه در جهان ایرانی: تاریخچه تعزیه، کیوان پهلوان، تهران، آرون، ۱۳۹۷ ق.

اما درباره محتوای تعزیه حضرت عباس علیه السلام به عنوان یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های حاضر در واقعه عاشورا و اسوه و الگوی وفاداری و ایثار، تاکنون پژوهشی به صورت مستقل صورت نگرفته و نوآوری مقاله حاضر از این جهت است.

مفهوم‌شناسی تعزیه

تعزیه در لغت به معنای عرض تسلیت گفتن، برگرفته از ریشه عربی «عزی» یک فعل ثلاثی مزید است (زبیدی، ۱۳۸۸: ۱۷۴/۱۹). تعزیه یا تعزیت به معنای سوگواری، برپایی یادبود عزیزان از دست رفته، تسلیت، امر کردن به صبر و پیرسیدن از خویشان در گذشته، خرسندی دادن و در برخی مناطق ایران مانند خراسان به معنای مجلس ترحیم است (همایونی و صباحی، ۱۳۸۲: ۷).

این نمایش مذهبی در شکل تکامل یافته آن عبارت است از یک سلسله اعمال توأم با کلام منظوم یا غیرمنظوم و بازآفرینی و نمایش یک رشته از وقایعی که هسته اصلی آن، شهادت امام حسین علیه السلام و اهل بیتش در کربلاست. این اعمال باید اعتقاد به مصیبت خاندان مطهر و پیام آن را تحکیم و تقویت بخشد (یارشاطر، ۱۳۶۷: ۱۲۷). در این‌گونه نمایش‌ها سیر وقایع از قبل برای حاضران معلوم است. این وقایع برای یادآوری گذشته در

قالب نمایش ارائه می‌شود، احساسات خفته را بیدار می‌سازد و آتش ملت‌هیب نهان را برمی‌افروزد. هنر شاعری برای احیای این‌گونه مراسم مذهبی نقش اصلی را ایفا می‌کند. می‌بینیم که در این نمایش‌ها نتیجه نبرد امام حسین علیه السلام در کربلا با اسارت حضرت زینب علیها السلام در دمشق یا عروسی بی‌فرجام حضرت قاسم علیه السلام مشخص است و اغلب در شروع نمایش نیز توسط بعضی از اشخاص نمایش پیش‌بینی می‌شود. این‌گونه پیش‌بینی‌ها زمینه را برای حالت سوگواری آماده می‌سازد (چلوسکی، ۱۳۶۷: ۱۲۷-۱۲۸).

تعزیه حاصل تجاربی است که از فکر مذهبی نشأت گرفته و به تدریج دارای محتوای مذهبی می‌شود. تعزیه نمایش آیینی، فراگیر و بسیار تماشایی است که کل اجتماع را دربرمی‌گیرد و به تدریج دارای بعدی فراتر از صورت خود می‌شود و تا ژرفای اسطوره، اعتقادات و مقولات دینی مردم امتداد می‌یابد. فهم فلسفه تعزیه تنها از طریق بازگشت به بنیادهای مفهومی و عملی آن در تاریخ و محیط هر دوره خاص امکان‌پذیر است (بکتاش، ۱۳۶۷: ۱۳۷).

در میان شیعیان غیر ایرانی (در عراق و شبه قاره هند) لفظ تعزیه به وجود ارتباط با مصائب شهدای کربلا، به معنای (شبهه خوانی) به کار نمی‌رود (بلوکباشی، ۱۳۸۱: ۴)، بلکه آنان تعزیه را به مراسمی نمادین اطلاق می‌کنند که در آن دسته‌های عزاداری در طول مراسم، شبیه ضریح، با تابوت امام حسین علیه السلام را بردوش می‌کشند و هم در پایان روز عاشورا و هم در روز اربعین آن را به خاک می‌سپارند (جعفری، ۱۳۶۷: ۳۱۵-۳۱۸).

از نگاه هنرهای نمایشی در باب تعزیه، آن که از نوع درام است و یا تراژدی بین کارشناسان و متخصصانی اروپایی و غربی که به امر تعزیه در ایران پرداخته‌اند، تباین نظر است. ستاری در کتاب خود به برخی از نظرات اشاره نموده است؛ به عنوان مثال، ال‌ول ساتن می‌گوید:

کاملاً غلط است اگر استنتاج شود که فن تئاتر و درام چیزی است که فرهنگ ایرانی از آن بویی نبرده است و حتی نمی‌توان گفت که سنت تئاتر در ایران وجود نداشته است. چنین سنتی وجود دارد... غرض من از سنت، تعزیه یا

شبه خوانی است... (ستاری، ۱۳۸۶: ۸۷-۸۸)

در نظریه ای دیگر، آرتور دوگوبینو تعزیه را با تراژدی در یونان باستان^۱ قیاس کرده و برابر شمرده است؛ اما ستاری پس از بیان این دو نظریه به این نتیجه می‌رسد که تعزیه درام است، اما از نوع «درام ملی و مذهبی» (همو: ۸۹-۱۰۲).

تجلی ادب پایداری در تعزیه ابوالفضل العباس علیه السلام

هر چند تمامی اصحاب باوفای امام حسین علیه السلام در روز عاشورا، با پرورش ویژگی‌های نیکوی اخلاقی، اسوه و الگوی جاودانه تاریخ شدند، اما این صفات نیکو در برخی از شخصیت‌های حاضر در کربلا، تجلی ویژه دارد. از جمله این شخصیت‌ها، حضرت عباس بن علی علیه السلام است. در مراسم تعزیه‌ای که به ایشان اختصاص دارد، ضمن سرودن اشعاری، به این صفات اخلاقی و از جمله پایداری و مقاومت ایشان در برابر دشمنان پرداخته شده است. مهم‌ترین جلوه‌های ادب پایداری در تعزیه حضرت ابوالفضل علیه السلام عبارت‌اند از:

۱. وفاداری

وفاداری از بلندمرتبه‌ترین و تشخص‌بخش‌ترین فضایل عرب پیش از اسلام بوده است. عملکرد این فضیلت عمدتاً در محدوده قبیله و عشیره بود. در چنین قلمرو و حوزه محدودی، وفاداری سلطه‌ای مطلق و رفیع داشت و به صورت ایثار و فداکاری بدون چشم‌داشت به خاطر خویشان و اخلاص وفاداران به دوستان، و نیز عرضه بیشترین حد امانت‌داری و پای‌بندی به حفظ میثاق و پیمانی که شخص تعهد کرده بود، متجلی می‌شد (آل رسول، ۱۳۹۱: ۱۵).

وفاداری نقض عهد نکردن و ترک غدر (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۵ / ۳۹۸؛ طریحی، بی‌تا: ۱ / ۴۴۶؛ مصطفوی، ۱۳۶۰ش: ۱۳ / ۱۶۱) شمرده می‌شود. اسلام احترام شدید به این

۱. تراژدی، منظومه‌ای دراماتیک است با موضوعی برگرفته از اسطوره و افسانه و تاریخ و سبک سرایشی متین و وزین در شرح احوال قهرمانانی نام‌دار که دستخوش حوادثی رعب‌انگیز یا ترحم‌انگیز به گونه‌ای شومناک و فاجعه‌بار پایان می‌گیرد. (ستاری، ۱۳۸۶: ۸۸)



فضیلت وفاداری و امانت‌داری قائل شد و امانت‌داری را به عنوان یکی از عناصر اخلاقی خود پذیرفت؛ ولیکن آن را بسیار متکامل و متحول کرد. با حرکت دادن آن بر محور توحید، وفاداری بر مبنای وسیع‌تری قرار گرفت و از فضیلتی قومی و قبیله‌ای به امری دینی استحاله یافت. عهد نشکستن و خیانت نکردن در امانت هم‌چنان در مفهوم وفاداری بود، ولی در عهد و امانت و میثاق که باید نسبت به آن وفادار بود، متعالی شد. قرآن مجموعه‌ای است از پیمان‌ها و میثاق‌ها که خداوند با آدم، بنی‌آدم و پیامبران و ملت‌ها منعقد کرده است (خرم‌شاهی، ۱۳۷۷: ۲۱۹۰).

درفرازهای مختلف تعزیه حضرت عباس علیه السلام و وفاداری ایشان به امام حسین علیه السلام تجلی یافته است. هنگامی که شمر بن ذی‌الجوشن، شبانه به خیمه حضرت می‌رود و از ایشان می‌خواهد به سپاه ابن‌سعد بپیوندد، حضرت در پاسخ این‌گونه وفاداری خود را ثابت می‌کند:

ای شمر به‌تن تا که سروجان دارم از بهر نثاره جانان دارم
بدنام مکن نزد نکونامانم من بهر حسین به‌تن سروجان دارم
(ناصریخت و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۵)

در ادامه این رویارویی، شمر از درخواست خود دست نمی‌کشد و سعی در جذب عباس بن علی علیه السلام به لشکر ابن‌سعد می‌نماید. حضرت در پاسخ وی، پس از آن که فضایی را برای امام حسین علیه السلام می‌شمارد، وفاداری خود را ثابت می‌کند:

در صدق مادر وی کرده خالق از کرم سلسبیل و کوثر و شط فرات و نیل را
من کجا و دوری از نور دو چشم فاطمه کی توانی ره زدن در کعبه اسماعیل را
(همو: ۴۶)

پس از آن که شمر بن ذی‌الجوشن با این پاسخ‌های محکم مواجه می‌شود و هیچ راهی برای منحرف نمودن عباس بن علی علیه السلام نمی‌یابد، از درخواست خویش منصرف می‌شود و حضرت را تهدید به مرگ می‌کند. وفاداری حضرت به ولی معصوم علیه السلام در اشعار مذکور به زیبایی نشان داده شده است؛ به‌گونه‌ای که عباس بن علی علیه السلام حتی درخواست شمر مبنی بر پیوستن ایشان به سپاه ابن‌سعد را موجب بدنامی خویش عنوان می‌کند و تمامی هستی

خود را متعلق و مرهون امام حسین علیه السلام می داند.

۲. توسل به ائمه اطهار علیهم السلام و امیرالمؤمنین علیه السلام

توسل از واژه «وسل» اقتباس شده و این منظور در توصیف آن چنین می نویسد:

وَوَسَّلَ فُلَانٌ إِلَى اللَّهِ وَسِيلَةً إِذَا عَمِلَ عَمَلًا تَقَرَّبَ بِهِ إِلَيْهِ؛
اقدامی را انجام داد که به وسیله آن به خدا نزدیک شد.

همچنین در ادامه می نویسد:

تَوَسَّلَ إِلَيْهِ بِكَذَا: تَقَرَّبَ إِلَيْهِ بِجُزْمَةٍ أَصْرَةٍ تُعْطَفُهُ عَلَيْهِ...؛ (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱/۷۲۴-
۷۲۵)

توسط فلان موجود به وی متوسل شد و نزدیکی او به خاطر حرمت و جلب توجهی است که آن شخص داشت.

در اصطلاح نیز در توصیف آن آمده است: «توسل به معنای تقرب جستن یا چیزی است که باعث تقرب می شود و به این ترتیب مفهومی بسیار وسیع دارد که هر کار نیک و شایسته ای را شامل می شود و هر صفت برجسته در آن درج است» (بیستونی، ۱۳۸۳: ۹).
توسل در واقع یکی از مبانی اعتقادی شیعه و اتصالی قلبی فرد با غیر خدا - مانند فرشتگان و ائمه معصومین علیهم السلام - و زیارت او به عنوان واسطه ای مقرب با خداوند متعال در جهت برآورده ساختن حاجات است.

خداوند متعال ذیل این موضوع و تأیید بر آن در قرآن کریم می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾؛ (مائده: ۳۵)

ای اهل ایمان! از خدا بترسید و به سوی او وسیله جویید و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید.

در آیه ای دیگر، فرزندان یعقوب پس از اناب از گناه خود، از پدرشان نزد پروردگار طلب غفران را خواستار شدند، چنان که آمده است:

﴿قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ﴾؛ (یوسف: ۹۷)



[در آن حال برادران یوسف] عرضه داشتند: ای پدر! بر تقصیراتمان از خدا آمرزش طلب که ما خطای بزرگ مرتکب شده‌ایم.

همچنین در وصیت امام علی علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام بر سفارش این امر اشاره رفته است:

پسر عزیزم! من تو را به پرهیزگاری خدا و همگامی با فرمان او و آبادانی دلت به یاد وی و دست در زدن به ریسمان او و توسل به هر وسیله‌ای دیگر که میان تو با خداوند محکمتر باشد، سفارش می‌کنم. (ابن شعبه حرانی، ۱۳۷۶: ۷۵)

البته منظور از توسل به مقربان درگاه پروردگاران این نیست که انسان چیزی را از پیامبر یا امام مستقلاً تقاضا کند یا حل مشکلی را از او بخواهد، بلکه هدف آن است که خود را در خط آنان قرار دهد و هماهنگ با برنامه‌های آنان شود و خود را به مقام آنان بخواند تا خداوند اجازه شفاعت در مورد آنان دهد (همو: ۱۰).

این اصول در اغلب نسخه تعزیه حضرت عباس علیه السلام تجلی یافته و حتی در برخی موارد شنوندگان را به این اصول و توسل به ائمه معصوم علیهم السلام دعوت می‌کند؛ به عنوان نمونه آمده است:

ای جوانمردان مجلس منجلی از دل و از جان بگوئید یا علی

(ناصریخت و همکاران، ۱۳۸۶: ۵۳)

این اقدام در تعزیه حضرت ابوالفضل علیه السلام نشان دادن سرخطی است برای همه شیعیان در همه اعصار که در هنگام مصائب و مشکلات به ائمه توسل و تمسک جویند. در قسمت‌های ابتدایی تعزیه، به دلیل ظلم و ستم‌هایی که شقاومت‌مندان کربلا در حق خاندان عصمت علیهم السلام مرتکب شده‌اند، شکوه‌هایی مطرح می‌شود. در قسمتی از این شکایت‌ها، عباس بن علی علیه السلام این چنین از پدر بزرگوارش علی بن ابی طالب علیه السلام یاری می‌طلبد:

یاعلی چندان مسافت از نجف تا کوفه نیست / سر بر آرزو ما را بی سروسامان ببین
ما در این صحرا غریب، بت پرستان می‌کشند / انتقام نهر روان از شاه مظلومان ببین
(همو: ۷)

در این ابیات، استعانت از امیرالمؤمنین علیه السلام به صورت شکوه‌هایی مطرح شده و تنهایی و غربت اهل بیت علیهم السلام نشان داده شده است. همچنین حادثه عاشورا انتقامی از برد نهران که به شکست خوارج منتهی شد، معرفی شده است.

در بخشی دیگر که دشمن با شبیخون به حضرت نزدیک می‌شود، تمسک به ذوالفقار امیرالمؤمنین علیه السلام می‌جویند. این تمسک از شمشیر حضرت علی علیه السلام در واقع مظهری از استمداد و توسل یافتن به ساحت ولی معصوم علیه السلام به شمار می‌رود. زبان حال حضرت ابوالفضل علیه السلام در این بخش چنین است:

ای سرافشان تیغ تیزآبدارای ذوالفقار

یادگار دست دست کردگارای ذوالفقار

تا به کی چون مار باشد لای غارای ذوالفقار

آی بیرون از غلاف اقتدارای ذوالفقار، ای علی را یادگار

بعد قتل حیدر صدفدرشه مالک رقاب

تا به کی پنهان شوی در ابر همچون آفتاب

دانم البته عزاداری برای آن جناب

از شعاع برق خود جان عدو بنما کباب

تا بماند از من و تو یادگارای ذوالفقار، ای علی را یادگار

(همو: ۴۳)

۲. شجاعت و شهامت

شجاعت و شهامت، مهم‌ترین کلید پیروزی و اساسی‌ترین پایه سربلندی و عظمت انسان‌هاست که نه تنها در میدان جنگ، بلکه در میدان‌های سیاست و اجتماع و حتی مباحث علمی نیز نقش کلیدی دارد. به همین دلیل علمای اخلاق شجاعت را یکی از ارکان چهارگانه فضایل برشمرده و آن را به شجاعت جسمی و روحی تقسیم کرده‌اند (فیض کاشانی، بی تا: ۱۶/۲) و در روایات، شجاع‌ترین مردم کسی شمرده شده است که بر هوای نفسش غلبه کند (محدث نوری، ۱۴۰۸: ۱۱۱/۱۲).

در اردوی حسین علیه السلام عده‌ای از مبارزان و شجاعان عرب بودند که به شجاعت و نترسی و بی‌باکی، مقاومت، تیراندازی و شمشیرزنی شهرت داشتند. بدیهی است که باید اطرافیان حسین علیه السلام چنین باشند. گذشته از حیث شهرت و زبان زد عام و خاص بودن و وصف متواتر که از حسین علیه السلام و یاران او در زبان‌ها وجود دارد، مصاحبت و همراهی حسین علیه السلام در این سفر پرخطر، خود به تنهایی نشان‌دهنده شجاعت و استقامت در برابر مرگ و شهادت و خصلت جانب‌داری از هرگونه مواجهه و رویارویی با فتنه‌ها و آشوب‌هاست (ثقفی، ۱۳۸۷: ۳۲).

یکی از بهترین مصادیق شجاعت عاشوراییان، حضرت عباس علیه السلام است. حضرت ابوالفضل علیه السلام نه تنها الگوی شجاعت جسمی، بلکه الگوی شجاعت و شهادت روحی بود. شجاعت و دلاوری حضرت عباس علیه السلام به گونه‌ای بود که لشکر دشمن می‌دانست هرگز قادر به رویارویی با ایشان نیست. از این رو پشت نخل‌ها کمین کردند و پس از بریدن دستانش، او را به شهادت رساندند (محمدی شاهرودی، ۱۳۹۶: ۱۳۲). البته این ویژگی حضرت، الگویی برای شیعیان بعد از ایشان شد و همین امر روحیه دفاع از آرمان‌ها و ارزش‌های ملی-دینی را برای جامعه مسلمین به ویژه شیعیان دو چندان نمود.

در پرده‌های مختلفی از تعزیه، شجاعت و شهادت حضرت عباس علیه السلام نمود یافته است. در قسمت‌های ابتدایی تعزیه، حضرت عباس علیه السلام برای ابراز تحیت و تعظیم نزد امام حسین علیه السلام رفت و از ولّی معصوم خویش، کسب تکلیف و فرمان کرد. حضرت به ایشان فرمان داد که مشک آب را بردارد و آبی برای تشنگان فراهم آورد. ابوالفضل‌العباس علیه السلام پس از شنیدن این فرمان، شجاعت خویش را این‌گونه نشان می‌دهد:

به فرمان توای سرور به جان منّت پذیرم من

بر آن روبه صفت‌ها چون غضنفر شیرگیرم من

نه پیچم سرمن از فرمان نه اندیشم من از عدوان

اگرچه نیست هم‌رزم هزاران رستم دستان

(ناصریخت و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۵)

در این ابیات، علاوه بر شجاعت و دلیری حضرت عباس علیه السلام، وفاداری ایشان نیز به نمایش درآمده است.

درفرازی دیگر از تعزیه، رویارویی عباس بن علی علیه السلام با شمر بن ذی الجوشن مطرح گردیده است. شمر ضمن مطرح ساختن وعده‌هایی همچون کسب مال و مقام، از حضرت عباس علیه السلام دعوت می‌کند که به سپاه ابن سعد بپیوندد. حضرت از این کلام وی برافروخته شده و شجاعت و بی‌باکی خویش را این‌گونه نشان می‌دهد:

ای بی‌ادب از جنگ مرا ترسانی؟

عباس دل از کف ندهد آسانی
بحمداله ز خون خواری این گرگان نمی‌ترسم

که من عباس جانبازم ز نامردان نمی‌ترسم
برواز من بگوبا ابن سعد شوم بی‌ایمان

که من سرباز عشقم ذره‌ای از جان نمی‌ترسم
(همو: ۴۵)

حضرت نه تنها به کلام شمر اعتنایی نمی‌نماید، بلکه شجاعت خود را منتسب به اجداد طاهره خویش می‌کند و پیوستن به سپاه ابن سعد را محال می‌داند.

درفرازی دیگر از نمایش تعزیه، عباس بن علی علیه السلام برای تهیه آب بردشمن می‌تازد و با رجزخوانی، شجاعت خویش را این‌گونه ثابت می‌کند:

خلف شیر خداوند مجید منم ای شمر ستمکار عنید
نام نامی من عباس بود پدرم پادشه ناس بود
بوده این دردو جهان اوصافم کاشرف زمره ذوالاشرافم

(فتحعلی بیگی و دریایی، ۱۳۹۰: ۲۸۲)

در این ابیات نیز حضرت شجاعت خویش را نمایش می‌دهد و این شجاعت را ارث پدری خویش می‌داند.

درفرازی دیگری دیگر دشمن به وصف شجاعت و شهامت حضرت اقرار می‌کند، آن جایی که در نسخه شمر آمده است:

عباس ای محیط نهنگ غضنفری رخشنده آفتاب سپهر دلآوری
برممکنات معرکه دادند از ازل دربان بارگاه توسر خط چاکری
(همو: ۲۷۴)

۴. بیان حقانیت و فضایل ولی معصوم علیه السلام

امام حسین علیه السلام به عنوان سومین پیشوای معصوم علیه السلام، مصداق تفسیری برخی آیات قرآن کریم است و همچنین در فضیلت ایشان احادیث بسیاری از نبی اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است. در صحرای کربلا به علت تبلیغات سوء دشمن، افرادی ناخواسته از حق فاصله گرفتند. برای معرفی جانشین برحق پیامبر صلی الله علیه و آله و بیان فضایل ایشان، اصحاب امام حسین علیه السلام در روز عاشورا تلاش‌های بسیار کردند. حضرت عباس علیه السلام به عنوان فردی بصیر و آگاه از مقام ولی معصوم علیه السلام، تلاش‌های زیادی در شناساندن حقانیت و فضایل امام حسین علیه السلام نمود که قسمت‌هایی از آن در نمایش‌نامه تعزیه حضرت تجلی یافته است. به هنگام رویارویی با شمر، پس از آن که به زیبایی از مقام ولی معصوم علیه السلام دفاع می‌کند، فضایی از ایشان و خاندانش‌اش بیان می‌دارد. از جمله در بیان فضایل امام حسین علیه السلام می‌فرماید:

هیچ برگوشت نخورده آیه ذبح العظیم^۱ یا مگر ناخوانده‌ای ظالم تو این تفصیل را
خواهی ای ظالم بدانی رتبه آل علی روتو در قرآن نظر کن سوره تنزیل را
کرده خلاق دو عالم در صداق مادرش سلسبیل و کوثر و شط فرات و نیل را
(ناصر بخت و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۶)

در ابیات یادشده، فضایل قرآنی و حدیثی امام حسین علیه السلام و خاندان مطهر ایشان به تصویر کشیده شده و جایگاه و منزلت ایشان در آیاتی از قرآن کریم مطرح گردیده است. همچنین به موضوع مهریه حضرت فاطمه علیه السلام که - بنا بر نقلی - روده‌های مذکور است، اشاره شده است.

درفرازی دیگر، حضرت در حضور شمر، به برادر بزرگوارش و فضایی که برای ایشان وجود دارد، فخر می‌فروشد و خدمت به امام حسین علیه السلام را افتخاری برای خود

۱. اشاره به آیه «وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ». (صافات: ۱۰۷)

معرفی می‌کند:

من بگفتم در جهان باشم برادر با حسین من نباشم هم رکاب آن مرکز اسلام را
من غلام او و کنیز مادر او و مادرم راستی این است بر بند ای جفا جو کام را
(فتح‌علی بیگی و دریایی، ۱۳۹۰: ۲۷۸)

در ادامه که شمر به قصد دعوت حضرت به سپاه یزید و تفرقه بین او و امام حسین علیه السلام،
او را تمجید و تحسین می‌کند و نسبت برتری بر اهل بیت می‌دهد. از این رو حضرت
ابوالفضل علیه السلام در پاسخ به او می‌فرماید:

بگو حسین را من از حقیقت، چرا نباشم مثال بنده

که مادر من ز روی شفقت، همیشه بوده کنیز زهرا

چنان ز مهر حسین سر من گرفته شور و گزیده سودا

که پهلوی من، نمی‌شناسد ز سنگ بستر ز خار خارا

(همو: ۲۷۹)

در این ابیات، عباس بن علی علیه السلام خدمت به درگاه امام حسین علیه السلام را مایه مباهات
خویش بر تمام خلق می‌داند؛ چراکه ایشان امام برحق شیعیان تا روز قیامت است. و
مدح و ثنا و بیان فضایل ایشان را افتخاری برای خود عنوان برمی‌شمرد.

۵. ایثار با همه وجود در راه رسیدن به مقصود

ایثار در لغت به معنای برگزیدن، غرض دیگران را بر غرض خود مقدم داشتن و مانند آن
است. به عبارتی، معنای از خود گذشتن و ترجیح و برتری دادن به آن چه مطلوب دیگران
است (فهیمی، ۱۳۸۷: ۵۴۲).
شهید مطهری درباره مفهوم ایثار می‌نویسد:

ایثار یک اصل قرآنی است. ایثار یعنی گذشت؛ یعنی مقدم داشتن دیگران بر خود
در آن چه مال خود انسان است و به آن کمال احتیاج دارد و در عین کمال
احتیاج، دیگران را بر خود مقدم می‌دارد. ایثار یکی از باشکوه‌ترین مظاهر
انسانیت است و قرآن، عجیب ایثار را ستوده است. (مطهری، ۱۳۸۶: ۲۵۷)

ایثار و شهادت دو محور اساسی در فرهنگ اسلامی است و آن چه باعث بقای اسلام و



نظام اسلامی می‌شود، فرهنگ ایثار و شهادت است. بر اساس این دو محور است که اسلام بر روی پایه‌های خود ایستاده و در قبال هر طوفانی ایستادگی می‌کند. در نگاهی واقع‌بینانه به تاریخ حیات اجتماعی بشر و تحلیلی منطقی از حوادث و وقایع اجتماعی می‌توان به شواهدی استناد نمود که گزاره مذکور را حمایت کند. مقاومت پیامبر ﷺ و اصحابش در شعب ابی طالب، صلح اجباری و مصلحت‌جویانه امام حسن ﷺ، پیروزی خون بر شمشیر در حادثه عاشورا و... از جمله نمونه‌های گویا و روشنی است که اعتبار گزاره اشاره شده را تأیید می‌کند. ایثار و از خودگذشتگی، در واقعه کربلا تجلی ویژه‌ای دارد و اصحاب امام حسین ﷺ برای حمایت ولی معصوم ﷺ، با ارزش‌ترین دارایی یعنی جان خویش را فدا کردند. ایثار و از خودگذشتگی در تعزیه حضرت عباس ﷺ، در پرده‌های مختلف تعزیه نمایش یافته است. در فرازی از تعزیه، حضرت عباس ﷺ خطاب به شمر، ایثار جان خویش در راه امام حسین ﷺ را این چنین عنوان می‌دارد:

ای شمر بدان تا که سرو جان دارم جان را به نثاره جانان دارم

(ناصریخت و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۵)

اما اوج مقام ایثار و از خودگذشتگی حضرت عباس ﷺ زمانی است که به شریعه فرات روانه می‌شود. حضرت پس از نبرد بی‌بدیل مشک را پراز آب نموده و در راه بازگشت با انبوهی از دشمنان مواجه می‌شود. یکی از دشمنان با شمشیرش دست راست ایشان را از بدن جدا می‌سازد. در تعزیه نامه، زبان حال حضرت این‌گونه به نمایش درآمده است:

افتاد دست راست، خدایا ز پیکرم بردامن حسین برسان دست دیگرم
دست چپم به جاست اگر نیست دست راست اما هزار حیف که یک دست بی صداست
(همو: ۶۳)

سپس دشمن دست چپ ایشان را از بدن جدا و تیری بر چشمان ایشان رها می‌سازد، اظهار شرمندگی خود را مبنی بر عدم وصال آب به سوی خیمه‌گاه این چنین بیان می‌دارند:

دو تیر آمد از جانب مشرکین یکی از یسارویکی از یمین

یکی تیر آمد به چشم چه باک یکی آبرویم بریخت روی خاک
(همو: ۶۴)

این اشعار در واقع نشان گراوج مقام ایثار و فداکاری حضرت است؛ چرا که در راه کسب رضایت ولیّ معصوم علیه السلام و بستگان و نزدیکانش، جان خویش را در کف اخلاص می نهد و با تمامی وجود و با بی ارزش تلقی نمودن اعضا و جوارحش، تنها در صدد رساندن آب به خیمه گاه تشنگان کربلاست.

نتیجه گیری

مسئله کلیدی این پژوهش، چگونگی تجلی ادب مقاومت و پایداری در تعزیه حضرت ابوالفضل علیه السلام است. این پژوهش، نقل و تحلیل پرده های مختلف تعزیه و شناسایی آموزه های پایداری در آن را رهیافتی مناسب برای پاسخ گویی به این پرسش می داند و نشان می دهد:

۱. وفاداری به عنوان یکی از مؤلفه های مهم مقاومت، در تعزیه حضرت عباس علیه السلام جلوه گر است. عباس بن علی علیه السلام که به عنوان مظهر وفاداری در طول تاریخ مشهور است، هیچ گاه در مقابل وعده های باطل و پوچ دشمن تسلیم نشد و نام خود را به عنوان اسوه وفاداری جاودانه ساخت.

۲. توسل و تمسک از امام علی علیه السلام در میان معتقدان به حقانیت و شیعیان ایشان مرسوم است. در پرده های مختلف تعزیه، در مواقعی که نبرد بر عباس بن علی علیه السلام مشکل می نماید، حضرت از پدر بزرگوارش یاری می طلبد و این الگورا به همه شیعیان زمان تسری می دهد.

۳. شجاعت و نهراسیدن از دشمن، همراه با بصیرت کافی، از ویژگی های حضرت ابوالفضل علیه السلام است که این ویژگی در اشعار تعزیه حضرت مغفول نمانده و در پرده های مختلفی به نمایش درآمده است.

۴. امام حسین علیه السلام به عنوان ولیّ معصوم علیه السلام و سومین جانشین برحق پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، فضایل و مناقب پرشماری دارد که معرفی آنها ضروری است. در تعزیه



حضرت عباس علیه السلام از لسان ایشان بارها فضایل تفسیری و غیر تفسیری امام حسین علیه السلام بیان شده و حقانیت ایشان نقل گردیده است.

۵. حضرت عباس علیه السلام به عنوان مظهر ایثار و فداکاری، همه وجود خود را در راه ولی معصوم علیه السلام فدا نمود و با ایثار و از خودگذشتگی، جان خویش را از دست داد. این موضوع در قطعاتی از تعزیه تجلی یافته است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- آل رسول، سوسن (۱۳۹۱ش)، «اخلاق وفاداری همسران و شاخصه‌های ارزشی آن در اسلام»، زن و مطالعات خانواده، سال چهارم، شماره ۱۶، ص ۱۳-۲۹.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۷۶ش)، رهاورد خرد / ترجمه تحف العقول، تهران، نشر و پژوهش فرزانه روز، چاپ اول.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت، دارصادر.
- بکتاش، مایکل (۱۳۶۷ش). تعزیه و فلسفه آن در تعزیه هنور بومی و پیشرو در ایران، گردآورنده: پیتر چلوفسکی، ترجمه: داوود حاتمی، تهران، علمی و فرهنگی.
- بلوکباشی، علی (۱۳۸۱ش)، «فراز و فرود نمایش قدسیانه تعزیه در تحولات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه ایران»، کتاب ماه هنر، شماره ۴۳ و ۴۴، ص ۱۸-۲۲.
- بیستونی، محمد (۱۳۸۳ش)، توسل و شفاعت از دیدگاه قرآن و روایت، تهران، بیان جوان.
- بیضایی، بهرام (۱۳۴۴ش)، نمایش در ایران، تهران، کاویان.
- ثقفی، سید محمد (۱۳۸۷ش)، «شجاعت یاران حسین علیه السلام»، درس‌هایی از مکتب اسلام، ش ۵۷۰، ص ۲۵-۳۴.
- جعفری، حسین علی (۱۳۶۷ش)، «تعزیه داری در ایران»، مجموعه مقالات تعزیه: نیایش و نمایش در ایران، تهران، علمی و فرهنگی.
- چرولی، انریکو (۱۳۶۷ش)، «تعزیه ایران»، ترجمه: جلال ستاری، نمایش در شرق (مجموعه مقالات)، تهران، نمایش.
- چلوفسکی، پیتر جی (۱۳۶۷ش)، تعزیه، هنور بومی پیشرو ایران، ترجمه: داوود حاتمی، تهران، علمی و فرهنگی.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۷۷)، دانش‌نامه قرآن و قرآن‌پژوهی، تهران، دوستان (و) ناهید.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، المفردات، بیروت، دارالعلم.
- زبیدی، محمد مرتضی (۱۳۸۸ش)، تاج العروس، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ستاری، جلال (۱۳۸۶ش)، زمینه اجتماعی تعزیه و تئاتر در ایران، تهران، نشر مرکز.
- شهیدی، عنایت‌الله (بی تا)، پژوهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی، تهران، دفتر پژوهش‌های

فرهنگ با همکاری کمیسیون ملی یونسکو.

- شیخ مهدی، علی و مصطفی مختاباد (۱۳۸۹ش)، «نقد رویکردهای پژوهشی پیشینه نمایش ایرانی تعزیه». فصل نامه پژوهش های زبان و ادبیات فارسی، ش ۱۷، ص ۸۸-۱۱۱.
- طاووسی و همکاران (۱۳۸۶ش)، «شعر کهن پارسی در مجالس تعزیه»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ش ۴۹، ص ۱-۱۸.
- طریحی، فخرالدین (بی تا)، مجمع البحرين، بی جا، المكتبة المرتضوية.
- فتحعلی بیگی، داود (۱۳۹۰ش)، دفتر تعزیه شماره ۱۱، تهران، نمایش، چاپ اول.
- فناویان، تاج بخش (۱۳۸۹ش)، تراژدی و تعزیه: مقایسه ها، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- فهیمی، محمدصادق (۱۳۸۷ش)، فرهنگ ایثار و شهادت و شاخص های آن (مجموعه مقالات همایش ملی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت)، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
- محدث نوری، میرزا حسن (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- محمدی شاهرودی، محمدعلی (۱۳۹۶ش)، «اسوه های حسینی، آینه گوه های مهدوی»، مبلغان، ش ۲۱۸، ص ۱۲۹-۱۳۵.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۴ش)، شرح زندگانی من (تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه)، تهران، نشر زوار.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰ش)، التحقيق فی کلمات القرآن، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶ش)، حماسه حسینی، تهران، صدرا.
- ناصربخت، محمدحسین و همکاران (۱۳۸۶ش)، دفتر تعزیه شماره ۸، تهران، نمایش.
- همایونی، صادق (۱۳۶۸ش)، تعزیه در ایران، شیراز، نشر نوید.
- همایونی، صادق و محمود صباحی (۱۳۸۲ش)، دانش نامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
- یارشاطر، احسان (۱۳۶۷ش)، آیین های سوگواری در ایران قبل از اسلام، تهران، علمی و فرهنگی.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی